

## بررسی اجمالی نظام آموزشی حوزه و مراکز وابسته به نخبگان آن و آفت‌های توسعه علمی آنها

حجت الاسلام والمسلمین نهاوندی  
استاد حوزه

### چکیده:

حوزه علمیه از آغاز تا کنون، مهم‌ترین نظام فرهنگی در سطوح علمی جامعه را دارا بوده و هست. این حوزه با تولید علم و نظارت بر سازمان‌های فرهنگی، جزو سیاست‌گذاران عرصه‌های گسترده جامعه است. نگارنده با سؤال اینکه این حوزه اساساً آیا امروزه توانسته است نقش خود را ایفا کند یا نه، نقش حوزه را در هدایت فرهنگی، اصلاح نظام آموزشی، مدیریت و برنامه‌ریزی اصولی، مورد کاوش قرار می‌دهد؛ سپس وی به چهار راهکار عمده در اصلاح نظام آموزشی و رساندن حوزه به افق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم اشاره دارد.

### مقدمه:

بی‌تردید حوزه‌های علمیه در یک نظام فرهنگی کلان، نقش هدایت و کنترل از طریق تولید دانش و ارزش‌ها را عهده‌دار است. حوزه‌های علمیه از طریق ارائه نظام ارزشی و تولید فکر می‌توانند بر سایر دستگاه‌ها نظارت و کنترل داشته تا جایی که برای نظام‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سیاست‌گذاری نموده و خط مشی داده، آنگونه که الگو و راهنمای عملی باشند.

بنابراین اگر بگوییم که از حوزه‌های علمیه انتظار می‌رود اهداف و جهت‌گیری‌های نظام توحیدی را در جامعه دینی تعیین کنند گزاره نگفته‌ایم. حوزه علمیه‌ای که می‌تواند شایسته‌ها و بایسته‌های طریق رسیدن به اهداف الهی و تعالی جامعه و فرهنگ را رقم زده و از منابع اصیل دینی، مبانی، اصول و شیوه‌ها را استخراج و استنباط کند.

حوزه‌های علمیه به عنوان رأس هرم نهادهای فرهنگ‌ساز دیگر، باید عامل اساسی پیوند و ارتباط نظام هند سایر اعضای فرهنگی باشد، اولویت‌ها را مشخص نماید و برای کنشگران فرهنگی و فکری، خط مشی صادر نماید.

اما سؤال اینجاست که آیا امروزه حوزه‌های علمیه جایگاه خود را تثبیت کرده و چنین نقشی را ایفا می‌نمایند؟ آیا این حوزه، مولد علم و اطلاعات لازم برای خود و دیگران بوده‌است؟ آیا نظام آموزشی حوزه، خلأها و چالش‌های فکری، فرهنگی و معنوی را شناسایی کرده و بر اساس آن طرحی نو در انداخته‌است؟ و آیا اساساً به تولید علم و دانش مورد نیاز جهان اسلام پی‌برده‌است؟

با توجه به این مقدمه و چشم‌اندازی کوتاه از جایگاه و نقش اساسی حوزه‌های علمیه، برخی از آسیب‌های موجود در مراکز و نظام آموزشی و تربیتی حوزه علمیه به ویژه حوزه مقدس مشهد و مراکز وابسته به نخبگان آن تقدیم می‌شود. اگر چه از

مشکلات پیش روی متولیان امر بی‌اطلاع نیستیم و تا حدودی آگاهی و آشنایی داریم؛ اما این همه ما را بر رفع و اصلاح این وضع معتقدتر و مصمم‌تر می‌نماید.

### نقش اساسی حوزه‌ها و جلوگیری از آسیب‌ها:

۱- اگر بپذیریم که برنامه‌ریزی، فرایندی مستمر، منطقی، جهت‌دار و آینده‌نگر به منظور هدایت فعالیت‌های گروهی برای رسیدن به هدفی از پیش تعیین‌شده است، متأسفانه ما آینده‌نگری با چشم‌انداز دراز مدت را - که افقی وسیع و روشن را از آینده در برابر برنامه‌ریزان حوزه قرار دهد - مشاهده نمی‌کنیم؛ بلکه آنچه ملموس است روزمره‌گی و برخورد عجولانه با مشکلات علمی و تخصصی است که از فقدان هسته فکری عمیق و آینده‌نگر حکایت می‌کند.

۲- نظام آموزشی پویا و بالنده، براساس تغییر و تحولات جدید و نیازهای نو توانمند می‌گردد تا بتواند قابلیت بالفعل شدن را پیدا کند؛ لیکن این قدرت و پویایی در سیستم آموزش دیده نمی‌شود.

۳- برنامه‌ریزی آموزشی بر تعیین هدف‌های مناسب، تشخیص مسائل، نیازها و امکانات مشتمل است. هنگامی که فراگیران احساس کنند در جامعه، نیازهای فرهنگی و فکری وجود دارد که آمادگی و توانایی پاسخ‌گویی به آن را ندارد، نقش خود را کم‌رنگ می‌بینند و این از دو حال خارج نیست: یا با پدیده فرار مغزها از حوزه‌های علمیه و یا با کاهش انگیزه‌های ایشان روبرو می‌شویم؛ از اینرو ایجاد و مهیا نمودن، مراکز و مؤسسات تخصصی متناسب با نیازهای جامعه در حوزه‌های علمیه، ضروری به نظر می‌رسد.

۴- در یک ساختار آموزشی، هیچ‌گاه نمی‌توان مدیران آموزشی کارآمد و امکانات آموزشی و همچنین فضای مناسب را نادیده گرفت. توجه روزافزون به علوم اسلامی و کثرت دین‌پژوهان توجه به این امر را که در آینده حوزه را با چالش‌های جدید روبرو خواهد کرد، مهم و غیر قابل چشم‌پوشی می‌کند.

۵- مدیریت تمرکزگرا از دیگر آسیب‌هاست. نظام متمرکز مدیریتی، آموزشی و ارزشیابی، آفت‌هایی اساسی بوجود می‌آورد:

**اولاً:** مانع از مشارکت فضلا، نخبگان و مدرسین در اداره حوزه علمیه می‌شود؛ **ثانیاً:** تصمیمات اساسی و کاربردی بدون در نظر گرفتن ظرفیت فراگیران و اساتید تصویب می‌گردد؛ **ثالثاً:** از خلاقیت و نوآوری جلوگیری می‌کند؛ **رابعاً:** مانع از رقابت سالم و علمی می‌گردد و **خامساً:** جزیره‌های پنهان و مخفی فرهنگی و علمی ایجاد می‌نماید.

۶- با نظام آموزشی و ارزشیابی کنونی، آموزش‌ها نوعی فرم‌گرایی قالبی پیدا کرده و بسنده کردن به تحصیلات موظف را پدید آورده که نهایتاً نمره، معیار ارزشیابی آن است.

۷- فقدان رابطه مناسب و علمی با نهادها و مؤسسات آموزشی معادل.

۸- اخلاق و تربیت را در نهاد و درون تعلیم ندیدن و برنامه‌ای جامع برای آن نداشتن.

۹- عدم استفاده از روش‌های نظام آموزشی کهن و پر مایهٔ حوزوی با قدمت چندصد ساله به بهانهٔ مدرنیزه کردن شیوه‌های آموزشی جدید.

## راهکارها:

فهرست عناوین ذکر شده تنها گوشه‌ای از مشکلات ساختاری و درونی است که به سرعت و با دقت باید به درمان همزمان آنها پرداخت؛ اما از آنجا که مقام معظم رهبری از بخش‌های فرهنگی و به‌ویژه حوزویان، مطالبهٔ فعالیتی با عنوان « جنبش نرم‌افزاری » را نموده‌اند و با این فرض که حوزه‌های علمیه محور چنین حرکتی می‌باشند، بر ما واجب است که با دقت به نکات ذیل توجه نموده و در این فرایند به اصلاح نظام آموزشی معطوف به این هدف بپردازیم:

**الف)** با نگرش جدید تولید علم و در جهت نظام‌سازی دینی در کلیه بخش‌های جامعه، باید حوزه و حوزویان تحولی جدی

در نظام آموزشی خود ایجاد نمایند تا رسالت اصلی‌شان را در تمدن‌سازی اسلامی ایفاء شود. این مهم جز با تغییر نگرشی بنیادین حاصل نمی‌گردد؛ از این رو نکاتی مهم، یادآوری می‌شود:

۱- نظام آموزشی حوزه باید اهداف، اولویت‌ها و شاخصه‌های خود را بر محور علم استوار سازد.

۲- پژوهش و تحقیق از ملزومات فرایند جنبش تولید علم چنین حرکتی محسوب می‌گردد و از این رو تقدیمی واقعی بر

آموزش پیدا می‌کند؛ از اینرو باید مجلات تخصصی و پژوهشی در حوزه افزایش یابد و تشویق به پژوهش پررنگ گردد.

۳- دروسی چون فلسفه، کلام و تفسیر از حاشیه و جنبی بودن خارج شوند و جزو دروس اصلی قرار گیرند.

۴- تعامل و توجه به پژوهشگران و محققان بیش از پیش گردد.

۵- فرصت تفکر، خلاقیت و نوآوری در نظام آموزشی، سامان یافته و از جمود فکری به شدت پرهیز شود. تنها اندیشه افرادی

خاص محور استنباط و فهم قرار نگیرد؛ بلکه امکان جریان اندیشه‌ها را فراهم و از حبس اندیشه یا عقلانیت صرفاً تقلیدی، جلوگیری شود.

۶- میان نواندیشی با بدعت‌گزاری و بین اصول‌گرایی با تحجّر تفکیک ایجاد شود.

۷- مناظرات علمی و نقد اندیشه‌ها، جزو اصول برنامه‌های آموزشی قرار گیرد.

**ب)** پرورش استعدادها و تقویت رشد اعتماد به نفس در طلاب جوان، و فراهم ساختن بستر و زمینه‌های مساوی و مناسب.

**ج)** پرهیز از پررنگ کردن خط قرمزهای صنفی علم‌سوز و تقویت ارتباطات فرهنگ‌ساز و پژوهش‌آفرین.

**د)** ارائه الگوی انطباق و مهندسی فکری بین دانش نظری و عملی در بخش‌های مختلف.

اگر چه جای بحث و تشریح سرفصل‌های عنوان شده در این مختصر فراهم نیست؛ اما امید آنکه به یاری خداوند و توجهات حضرت بقية الله الأعظم (عج) این حرکت علمی، زمینه‌تحوّلی نوین و اساسی متناسب با نیازهای حکومت اسلامی به زعامت رهبر فقیه فرزانه مان را در آینده‌ای نه چندان دور فراهم نماید.